

نیش شتر از ره کین است نوشداری زخم دیرین است

نشریه طنز دانشجویی شریف
کمی تا قسمتی مستقل

International Journal of NisheShotor, Vol. 2, Issue 05, 2010

قیمت: در آسیا و اقیانوسیه ۲۰۰ تومن، در اروپا و آمریکا ۲۰ سنت

ویژه نامه روشهای تقلب
در امتحانات پایان ترم

دفتر آموزشهای آزاد شریف خبر داد:

افزایش نرخهای مصوب مدارک کیلویی دانشگاه

شریف برای سال ۸۹

شبانہ، کیش، نوبت دوم: ۳ تا ۱۰۰ تومن

بهداری با همکاری رستوران و نقلیه دانشگاه وعده داد:

با هدف کاهش آلاینده های
خوابگاه، از نیمسال آینده کلیه
دانشجویان فرسوده کارشناسی و
دکترای با سنوات بالا دوگانه
سوز میشوند.

اطلاعیه مهم معاونت پژوهشی

قابل توجه پژوهشگران، استادان و دانشجویان

بالاخره به همت متخصصین داخلی و با تکیه بر فناوریهای بومی، برای اولین بار در کشور، خطوط کلی راهکارهای آیین نامه اجرایی طرح جامع پژوهشی تهیه و تدوین شده است. گامهای بلند و اساسی که حاصل الگوبرداری از هزاران طرح موفق پژوهشی در دانشگاهها و مراکز مهم تحقیقاتی است، در این سند ملی به این شرح عنوان شده است:

پایان → Ctrl+P → Ctrl+V → Ctrl+C → Ctrl+A → شروع

در این شماره
می خونید:

مصاحبه نیش شتری

شریف در سال ۲۰۲۰

استار عزیز ما

آلهی ها و نیازمندها

آموزش فشرده تافل

مقالات نیش شتری

برگی از شترنامه شیخ بزول

عکس هفته، ...

به مناسبت فرارسیدن
کریسمس ۲۰۱۰
نامه سرگشاده شیخ
بزول به بابانوتل
در رابطه با مسائل
اخیر در شریف





ماجراهای مترو (به روایت امین رستگار، ملانیک ۸۴) قسمت دوم:



کی هل میره؟

چه تو مترو داخل شهری و چه بین شهری وقت سوار شدن چون همه دوست دارن روی صندلی بشینن بنابراین موقع سوار شدن تمام تلاششون رو می‌کنن تا جا بگیرن، خوب رقا زیارن و جا مورد پس بعضی‌ها ناپارن از زور بازو و هیكلشون فقط یه کمی، یه کم هاء، کمک بگیرن و اطرافیان رو پشش و پلاکنن. بعد هم که سوار شدن این آدم‌ها هی به هم گیر می‌دن که چرا هل می‌دی، چرا هل داری، من نبودم، تو هل داری، رو رو برم! تو هل داری یا من؟! و ... فاصله ما که نفهمیم کی هل میره. بقول یکی، فرزوق شان دیکه!

سوار شدن به مترو در اوج شلوغی

جا گرفتن و نشستن تو مترو درست موقع ازدحام جمعیت کلی ماجرا داره که براتون تعریف می‌کنم. آکه تعداد دوستان زیاد باشه باید چند گروه بشن و هر گروه در یک موقعیت (در ابتدا و انتهای واکن و ...) جایی که درهای مترو باز میشه مستقر بشن. بعد که قطار می‌یارد و درش عول و عوش شما وایسته (آکه آقای راننده ضد حال نزنه!) باید به سمت درها هیوم بیرین و منتظر باز شدن اونجا بشید. در این موقع می‌بینید که گروه‌های دیکه هم دارن به هم علامت می‌دن و می‌کنن بالا یا پایین و ... وقتی در شروع به باز شدن می‌کنه تا موقعی که ۱/۳ اون باز شه فقط ملت هم‌دیگر هل میدن و فشار میان. تا این لفظه هیپکس نتونسته داخل بشه. می‌پرسید چرا؟ به قول یکی از بپه‌های فوش ذوق ملانیکی در اینجا پدیده‌ای درست مشابه فنگی در نازل‌ها رخ داره. من که نفهمیدم یعنی چی؟ (آشه ترمو ۲ باک. ز. پاس کردم دیکه!) شما آکه فومیدم به ما هم بگیرد. به هر حال در یک لفظه بمرانی به نام لفظه هیپی! که همزمان با هورا کشیدن ملته بالا فرده اولین نفر می‌تونه داخل بشه، البته آکه پاش بین کپ مترو و سکو گیر نکنه و ملت لهوش نکنن. یا اینکه از فشار زیاد به جلو پرتاب نشه و بفوره به میله‌ای که درست روبروشه. بعد سیل انسانی جاری می‌شه و یک سری می‌پرن طبقه بالا، بعضی‌ها هم پایین و ... البته اولین جایی که تو مترو پر می‌شه دو تا صندلی تک نفره بالاست که همیشه راحت روش لم دارن. شما هم آکه شانس بیارید زیر دست و پا تا حالا له نشده باشید و یا اینکه خودتون بخواید برید طبقه پایین ولی کیفیتون لابه لای مردم بره طبقه بالا و ... می‌تونید برید برای رفیقاتون جا بگیرید. البته مسئولین مترم گاهی اوقات برای به اوج رسونن لذت و هیجان هنگام سوار شدن به مترو و حال دارن به ملت، برق‌ها رو درست موقع سوار شدن خاموش می‌کنن تا شما از یک تونل وحشت هم به صورت اضافی استفاره کنید. بهترین رکورد ما جا گرفتن برای ۲۱ نفر در سال ۸۴ بوده.



استاد عزیز ما

(شیخ بزول، فویمه باقری، امیر صمداروست)

استاد عزیز ما فرمودند به بدن‌سازی علاقه دارن!!! نه اینکه به خورد بدن‌سازی علاقه داشته باشند!! بدن‌سازی رو برای عکس هاش دوست دارن

استاد عزیز ما انواع مغناطیس‌ها رو برمی‌شمردند؛ پارا مغناطیس، فرو مغناطیس، (دیا مغناطیس، آنتی فرو مغناطیس و فوری مغناطیس!

ما هم فندیدیم! آفه فوری مغناطیس شبیه داوود فطر و اصغره ترقه بود!! ولی استاد عزیز ما تاسف فوردند به هالمون و گفتند که شماها تفریح نرارید به مفاهیم علمی می‌فندید!!

استاد عزیز ما که از نگه‌های پیایی موبایل بپه‌ها کلافه شده بود با عصبانیت گفت: آگر یکبار دیکه کسی زنگ بزنه خودم کوشیو برمی‌دارم ۴ تا فمش بوش میدم تا بفومه که سرکلاس نباید زنگ بزنه!

استاد عزیز ما پس از اعلام نمرات میان ترم، با قیافه حق به جانیی گفت: فکر کنم تا حالا فومیده‌اید که من آقدرها هم که بپه‌ها می‌گویند کلابی نیستم.

استاد عزیز ما در پاسخ به یکی از دانشجویان که اولین بار بود در کلاس سوال می‌پرسید گفت: شما همیشه سوالات فوبی می‌پرسید! کاش کمی هم فکر می‌کردید.

به یک مطلب مرتبط با دانشگاه برای چاپ نیازمندیم.

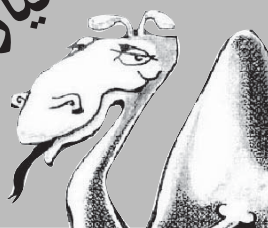
(تو رو چون هر کی دوست دارین!)

روزنامه شریف

به چند جنبنده برای پنباندن نیازمندیم.

یک جنبش دانشجویی

نیازمندیم





مصاحبه نیش شتری



یک نوع تنوع است. می‌دانید که من شاعر هم هستم!

ش.ب.: بیمارستان رسول اکرم که طرف قرارداد دانشگاه است فیلی در ب و داغون است. هر که رفته اشکش درآمده. من خودم یک شب کارم به آنجا کشید و چهار پنج ساعت دنبال یک دکتر می‌گشتم. چرا با یک جای بهتر قرارداد نمی‌بندید؟

م.ب.: این پیشنهاد بیمارستان بود که قرارداد ببندیم. می‌دانید که هزینه خرید موش آزمایشگاهی زیاد است و جان دانشجو را بکشد. پس می‌بینید که منطقی است.

ش.ب.: متأسفانه جوابهای شما اصلاً قانع کننده نیست. شما دارید... آفففف! واییی...! در این لفظه، مدیر بوداری که از دست شیخ عصبانیت، دستور میدهد ۲ نفر با روپوش سفید از دو طرف زیر بغل شیخ را گرفته و به او یک آمپول مشکوک تزریق کرده و او را بیهوش کنند. از حال شیخ بزول اطلاعی در دست نیست!

بزند تا اسمش را که به صورت رندوم ثبت شده پیدا کند. تایپ اینها که کار ساده‌ایست.

م.ب.: نکته خوبی گفتید. اینها بعد از است و ما نمی‌توانیم یک کامپیوتر بگذاریم اینها که بعداً ویروسی شود و این ویروس وارد بدن دانشجویمان بشود.

ش.ب.: برای پیشگیری از شیوع آنفلوآنزای فوکی چه کار مثبتی کرده‌اید؟ فقط مرتب می‌گویید دستتان را بشویید. فب این را که همه می‌دانند.

م.ب.: بوداری فیلی مشکلات جدی تری دارد که به این قرتی بازها نمی‌رسیم. ببینید الان ما نرم افزار Kaspersky 2010 قفل

شکسته داریم که می‌دهیم نصب کنید تا ویروسی نشوید.

ش.ب.: چرا دانشجویمان سال بالایی که سنواتشان تمام شده از فرمات دندانپزشکی مفرورند؟

م.ب.: علتش معلوم است. بعضی از دانشجویمان دکتر که فیلی فسیل هستند نیاز به دندان مصنوعی دارند. از طرفی دندانشان هم فیلی کرد است! ولی راستش را بخواهید این دستور استادان راهنماست که بگذارید از دندان دردمیرند شاید زودتر دفاع کنند!

ش.ب.: بوداری چه نظارتی روی نحوه طبخ و توزیع غذای رستوران دارد؟ همین چند وقت پیش عده زیادی با خوردن غذای فوآبگانه دچار اسهال شدند.

م.ب.: یک ناظر تمام وقت داشتیم که البته بعداً فهمیدیم با تعدادی از گروه‌های آشپزخانه تباری کرده است و برکنار شد. بالاخره اسهال گرفتن اگرچه همراه با حالت تنوع است ولی خودش



با مسوول بهداری

پس از چاپ مصاحبه با مدیران آموزش، مرکز محاسبات و تربیت بدنی، تلفنهای مکرری به دفتر نشریه نیش شتر شد و جان شیخ بزول و همراهان او تهدید شد. اما شیخ، بی پروا این بار برای یک مصاحبه داغ دیگر به سراغ مسوول بهداری دانشگاه رفته، جایی که مشکلات زیادی دارد.

(ش.ب.: شیخ بزول / م.ب.: مسوول بهداری)

ش.ب.: چه بوی بدی اینجا می‌آید. مطمئنید اینجا بهداریست؟

م.ب.: متأسفانه خودتان بوده. اینجا همه چیز استریزه است.

ش.ب.: سوال اولم این است: چرا وعده واکسیناسیون آنفلوآنزای فوکی عملی نشد؟

م.ب.: والا کرام وعده ما عملی شده که این یکی بشود. سوال منطقی بپرسید.

ش.ب.: بایگانی اطلاعات پرونده‌ها و دفتر اسامی دانشجویمان سالهاست که قرار است مکانیزه شود. فیلی مسافره است که یک نفر بایر همه صفحه‌های یک دفتر ۲۰۰ برگی را ورق

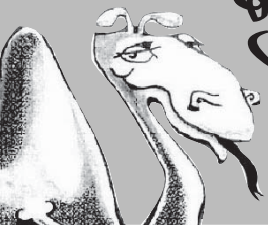
آگهی گمشده

عکس فوق متعلق به دانشجوی دکتری اینجانب با شماره ۸۲۳۰۵۷۰۹ است که از ۳ سال پیش، بعد از جلسه دفاع از پروپوزال، از دانشکده خارج و تاکنون مراجعه ننموده است. از دانشجویانی که به هر نحو از مخفیگاه وی اطلاعاتی دارند تقاضا میشود فوراً با اینجانب تماس گرفته و استاد در حال ارتقائی را از نگرانی برهانند. نامبرده دارای اختلال حواس و نیز دو مقاله ISI میباشد.

استاد راهنما



آگهی‌ها





یکی از مشکلات دانشجویان برای پذیرش، گرفتن، توصیه نامه یا همان ریکام فوب است. شیخ بزول با درک صمیمی این ضرورت از دکتر کمل استینگ فواسته که در این شماره، نمونه یک ریکام فوب را بنویسد. قابل ذکر است تاکنون ۵۰ نفر از دانشجویان شریف، با همین ریکام از MIT و Stanford بورس کامل گرفته اند. (استفاده

Rikamendashen
Dear MIT university



My Darling! Here, I am porofosor and he is student. I like him and he like me. He also love banana (it is not girl). He took corse with me and failed tree times bikaaz he like banana. We are hapy that he vant coming to MIT for phd. If you give him money I want money also (or post me some shokolat)! Don't worry hony! His english is like my english. And his penglish is very very gooder bikaaz he chat very much wit girls. He iz timwork and very esmart. Give him boors and admishen soon. He smoking alot, Bahman, Winston, ... at kelasses and on front of Boofeh. You don't now how much I like this. We say «patogh» ;) sorry, he has no paper :(but he like to use paper when going to toilet :)). Ok. My yahoo ID is camel.sting_jeegar62. If want kwestion Chat me (asl? ;) Or send me a miss kall ;) and add me in facebuk now.

Your victim (Ghorbanet), Fool Porofosor, Sharif uniwercity of Tekhnology

Dr. Camel Sting

Bistome day 1388

حکایت چهارم از باب امتحانات

امروز به مدتشولوبی (تکنولوژی)، چنین کارها دشوار نباشد. یکی از ایشان این شنید. گفت: از خواندن کتب و جزوات و نوات (تهما) و اسالید (جمع مکثر اسلاید) ما را فایده نباشد. پندی ده تا در روز پسین به کار بندیم. شیخ بفرمود: دو کس رنج برده بودند و گنگ پیانیده سایدند. یکی آنکه آورد و نکرد (تقلب) و دیگر آنکه خواند و نیارد (نمره) چه پچیک مذانت که برای حصول نتیجه پسین، به جای زحمت دیرین و زدن از خواب شیرین، نمونه سوال پیشین به کار آید. و حکاکفته اند:

خودتولوس کن یا
دلوبوتوت کن یا!

به یاد دارم که در اواخر ترم، شی شیخ بزول رحمة الله علیه، به آناتی در نویسه (نواجوه) طرشت درآمد. شنیدم که در آن وقت، حراس امتحان از خرد و کلان برد این و آن افتاده بود. چندانکه یکایک بر کثرت غیبتها و رفتن فرصتها، ناسف می خوردند و نختی می شب به خروخوان مانده بود. جماعتی دید به ظاهر بسیار و به زحمت بیدار، گرد هم آمده به تقرب و به امید تقلب، بنشیند و در پای افزار و جامه می پوشانند. شیخ بانگ داد: این چه عادت شریف است برداشجوی شریف؟ اندیشه کنید که حرایب با خبر شوند و بنای تعلق و تیه گذارند. وانکه چنین آیین که می کنید نیاکان راست و

برگی از شترنامه



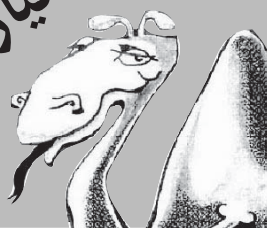
شترنامه شرح حال شیخ بزول است که از سنه ۷۵ تا ۸۸ خورشیدی در دانشگاه شریف زیسته و دیده‌ها و شنیده‌ها به قلم خویش در قالب روایات طنز و حکایات نغز در هشت باب به طبعی موزون آراسته و به نثری وزین پیراسته. و این بار حکایتی دیگر از این گنجینه:

توضیح: بزول (با فتحه): شتری که دندان نیش برآورده باشد. مذکر و مؤنث در وی یکسان است. جمع بزول، بزول. (منتهی الارب) (ناظم الاطباء) لغت نامه دهخدا

به یک نسخه پزشکی جهت ارائه به بهداری و آموزش به منظور هزف یک درس کارشناسی سه واحدی سرریعاً نیازمندیم.
امضاء محفوظ

کلاس درس دکتر شاداب به دلیل کمولت سن این هفته هم تشکیل نمیشود.
دختر دانشکده

نیاز مندیم





شریف

در سال ۲۰۲۰ (پیش بینی های شیخ بزول)

۲۰ ژانویه ۲۰۲۰: گربه های کارافرین

جشنواره کارافرینی گربه های طرشت و زنجان با همکاری دانشکده مدیریت، به طور همزمان در محوطه پشت خوابگاه طرشت ۲ برگزار شد. در این جشنواره ۳ روزه که ۲۷۰۰۰ راس گربه جوان و اندیشمند شرکت داشتند راه های جدید جستجو در سطوح های زباله خوابگاه، خنجول انداختن به دانشجویان معترض به کیفیت غذا و پنجول کردن در غذای آشپزخانه خوابگاه مورد بحث و بررسی قرار گرفت. همچنین مقرر شد طرح تجاری ساخت دستگاه «بوکش اتوماتیک گوشت قرمه سبزی» به عنوان طرح برتر به بانک معرفی شده و تسهیلات اعتباری و مالی اخذ کند. دکتر ملوسیان فرد دبیر این همایش سه روزه با اعلام این که گربه های کارافرین با حمایت بیشتر می توانند حتی غذای دانشجویان کم درآمد خوابگاه را تامین کنند اظهار امیدواری کرد طرح های منتخب به اجرا برسند.

سال پیش در جشنواره کارافرینی گربه ها، پیشولو طرح دستگاهی را داد که می توانست



اتاق های کثیف خوابگاه را در هر کدام از بلوک ها به طور جداگانه تشخیص داده و اطلاعات آن را در رایانه ثبت کند. این طرح هم اکنون در خوابگاه طرشت ۲ در حال اجراست.

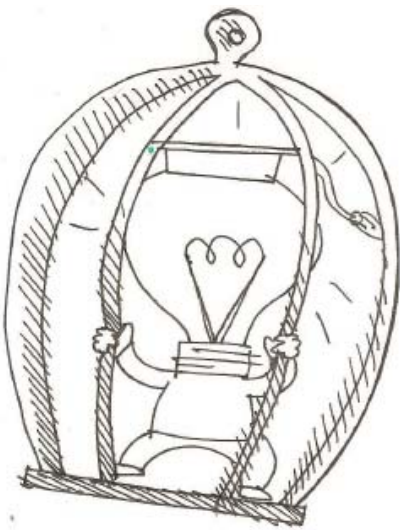
۲۵ ژانویه ۲۰۲۰: فیلم رستوران

رستوران دانشگاه فیلم میسازد. این خبر را دیروز یک منبع ۱۲۰ لتری اعلام کرد و افزود هیچ دلیلی ندارد در جهان رقابتی امروز ما سراغ فیلم سازی نرویم. تازه الان که ما همه کار می کنیم غیر از همان یک کار! آقای ر. (مدیر رستوران شریف) تهیه کننده این فیلم گفت برای اسکار ۲۰۲۴ امیدهای بسیاری داریم. این فیلم صحنه های دلخراش و تکان دهنده ای از طرز تهیه غذاهای رستوران و کشتار بیش از ده میلیون نهنگ در آبهای خلیج جامائیکا به منظور تهیه سبزی پلو با ماهی در سال های قبل، را به نمایش می گذارد. قرار است جری هنکس (پسر تام هنکس) و کبالت کیدمن (دختر نیکل کیدمن) در این فیلم ایفای نقش کنند. هزینه ساخت این فیلم را مهندس ن. ن. تقیل کرده است.



۱۵ ژانویه ۲۰۲۰: وعده جدید به استعدادهای براق!

ستاد بازیافت نخبگان (دفتر استعدادهای درخشان سابق) در خبری اعلام کرد که در سال گذشته از بیشتر استعدادهای درخشان دانشگاه برای تامین روشنایی قسمتهای تاریکی از دانشگاه کمک گرفته شده است. مسوول این ستاد گفت در ۲۰ سال گذشته تعداد زیادی از استعدادهای براق و درخشان شناسایی شده اند که متأسفانه ۹۹ درصد آنها از کشور گریخته اند. وی در پاسخ به خبرنگاری که پرسیده بود: چه امکاناتی برای نگه داشتن این استعدادهای فراهم می کنید؟ گفت: خوشبختانه برای نگه داشتن آنها با چند سازنده قفس به توافق رسیده ایم.



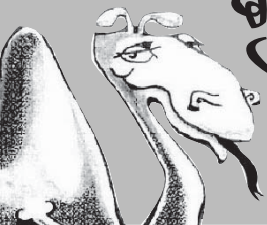
با قیمت توافقی

پنگان معاملات ماسکی گاکایی و شرگاد (تف لیسانس صندوق رفاه)
پیش فروش اتاقهای خوابگاه مجردی به دانشجویان فسیل شده با قیمت استثنائی

رهن، اجاره به شرط تفریه، فروش فوری انواع اتاقهای n تفته، سویت، داخلی روند

اتاقهای طرشت (پنت هاوس) زنبان (آکزیون) مصلی نژاد (رو به آفتاب)

آزمایش ها





دانستنیهای علمی از شیخ بزول:

ز آیا می‌دانستید یک عضو هیات علمی میتواند تا ۲۰ روز به دانشگاه نیاید و همچنان هیات علمی باشد؟

ز آیا می‌دانستید که شریفی‌ها، نشریه نیش شتر را حتی از کتب درسی خود بیشتر می‌خوانند؟

ز آیا می‌دانستید گوشت‌های قیمه دانشگاه از شکار نوعی کرگدن خالدار در اوگاندا بدست می‌آید؟

ز آیا می‌دانستید که طولانی‌ترین زمان بررسی نامه‌های اداری در دنیا مربوط به تحصیلات تکمیلی خودمان است؟

ز آیا می‌دانستید با کارت غذا می‌توانید از خودپرداز بانک ملی پول بگیرید؟

ز آیا می‌دانستید در یک کلاس n نفری تا ۱-n نفر می‌توانند از روی یک تمرین کپ بزنند؟

ز آیا می‌دانستید فقط نصف کسانی که نشریه را برمی‌دارند، پول می‌اندازند؟ (آن نصف دیگر به جای نشریه پول برمی‌دارند!)

ز آیا می‌دانستید فیل تنها حیوانیست که در هنگام پرواز به کمک خرطومش روی آب می‌ماند؟

ز آیا می‌دانستید که شیخ بزول روی ۲ پا راه می‌رود؟



حکایت طوطی MBA!

(منبع: موثق!)



مردی به یک مغازه فروش حیوانات رفت و درخواست یک طوطی کرد. صاحب فروشگاه به سه طوطی فوش پوره اشاره کرد و گفت: طوطی سمت چپ ۵۰ هزار تومان است. مشتری: «چرا این طوطی اینقدر گران است؟» صاحب فروشگاه: «این طوطی توانایی انجام تحقیقات علمی و فنی دارد.»

مشتری: «قیمت طوطی وسطی پقدر است؟» صاحب فروشگاه: طوطی وسطی ۱۰۰ هزار تومان است. برای اینکه این طوطی هر کاری را که سایر طوطی‌ها انجام می‌دهند، انجام داره و علاوه بر این، توانایی نوشتن مقاله‌ای که در ژورنالی چاپ شود را نیز دارد.»

و سرانجام مشتری از طوطی سوم پرسیده و صاحب فروشگاه گفت: «۴۰۰ هزار تومان.»

مشتری: «این طوطی چه کاری می‌تواند انجام دهد؟»

صاحب فروشگاه جواب داد: «صادقانه بگویم من چیز خاصی از این طوطی ندیدم ولی دو طوطی دیگر او را مدیر ارشد صدا می‌زنند!»

مهدی نصیریان (برق ۸۵)، در ادامه بیست معروف شیخ بزول، قصیده ای در مدح این نشریه گران سنگ سروده در خور شنیدن است:

نیش اشتر نه از ره کین است
گشته‌ام جمله راه حل‌ها را
نیشی از این شتر اگر خوردی
در شترنامه، شرح حال بزول
نیش او گرچه دائماً باز است
آرزوی تمامی شتران
گر تو هم تلخ نیشکی داری

نوشداروی زخم دیرین است
بهترین مرهم و دوا این است
نوش جانت بخور که تسکین است
بازخوانا که جای تحسین است
قصه غصه‌اش غماگین است
خواندن نسخه دگر زین است
باز کن! هندوانه شیرین است

شاعر: ایل زبل (clever camel)



فوری!

آگهی مناقصه عمومی شماره ب/۱۸۱/۱۸

دانشگاه شریف در نظر دارد ۳۰۰۰ تن نخود سیاه مرغوب را جهت سال تحصیلی ۹۰-۸۹ از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید. بدینوسیله از کلیه پیمانکاران دارای grade ۱ در سرکار گذاشتن، جهت شرکت در مناقصه دعوت میشود. تحصیلات تکمیلی دانشگاه





پیدا کنند. یکی دارد روزنامه میخواند. توی یکی از صفحاتش نوشته: «صندوق بین‌المللی پول گزارش میدهد که سالانه حدود ۱۸۰ هزار ایرانی تحصیلکرده به امید زندگی و یافتن موقعیت‌های شغلی بهتر از کشور خارج می‌شوند. این گزارش می‌افزاید که رقم خروج حدود ۱۸۰ هزار نخبه تحصیلکرده از ایران، به معنی خروج سالانه ۵۰ میلیارد دلار از کشور است. طبق این آمار هم‌اکنون بیش از ۲۵۰ هزار مهندس و پزشک ایرانی و بیش از ۱۷۰ هزار ایرانی با تحصیلات عالی در آمریکا زندگی می‌کنند و طبق آمار رسمی اداره گذرنامه، در سال ۸۷ روزانه ۲/۳ نفر با مدرک دکترا، ۱۵ نفر با مدرک کارشناسی ارشد، و ۵۴۷۵ نفر با مدرک کارشناسی از کشور مهاجرت کرده‌اند.»

(۱۸ آبان، ساعت ۹ صبح، دانشگاه شریف، دانشکده)
- (تَقِّ تَقِّ تَقِّ!) سلام استاد! میتونم پیام تو؟
- بفرمایید.
- من با شما نمره‌های خوبی دارم. معلم هم خوب هست. راستش میخواستم چندتا ریکام بگیرم.
- برای کجا به سلامتی؟
- (با خنده ای تلخ!) برای هر جا شده!

اگه کسی جواب نداد حتماً همکارمون رفته مرخصی که میدونید قانوناً در ماه ۲ روز هست اما خب کارای بین روز هم پیش میاد گاهی و ممکنه موقع ناهار و نماز باشه که میدونید توی این دانشگاه بین ۴ تا ۵ ساعت طول میکشه چون که بعضی از کارمندا نمازای قضاشون رو هم همین موقع میخونن. البته نه که فکر کنین همشون ها؟! نه! بعضیهاشون... اگر هم دیدین تلفن اشغاله، خب حتماً کار مهمی داریم و فکر نکنین داریم دستور پخت کلم پلو رو برای دخترخالمون توضیح میدیم یا اینکه بهش میگی که سیسمونی بچه رو از کجا بخره ارزونتره! آره! بعد که این برگه رو آوردین من امضاء میکنم و بعد تطبیق میدم با بخشنامه‌های آموزش که ببینم با فرم تطبیقتون یکی هست یا نه و بعدش با ۶ تا فرم دیگه که باید از ۷ جای مختلف دانشگاه بگیرین و ۸ تا کپی بگیرین بیارین، میذارم توی کارای دکترا! که اگه از مسافرت ۲ ماهه تشریف آوردن و اومدن ببینند و حوصله هم داشتند امضاء کنند. البته میدونید نامه زیاد دارند و خب کسی هم نمیتونه کاراشون رو انجام بده! متوجه شدی یا نه؟ آها یادم رفت بگم باید از استادتون هم نامه بگیرین که نمره این درس رو ۲ بار رد نکرده باشه. حتماً هم باید مهر و امضاء معاون آموزشی و...
- (همینطور حرف میزند و توی مغزم مثل پتک فرود میاید!)

چیزی نمیشنوم. نمیفهمم فاصله دانشگاه تا مترو را چگونه طی میکنم... توی مخم سوت میکشد... انبوه جمعیت مرا داخل یکی از واگنها هل میدهد... فکر میکنم اگر شریف که بهترین دانشگاه است اینطوری است وای به حال بقیه دانشگاهها... وای به حال بقیه اداره‌ها... نه! من طاقتش را ندارم... اینجا شلوغ است... خفه است و من خسته ام. نفسم میگیرد از این همه آدمهایی که فقط هل میدهند تا برای خودشان جا

سر مقاله نیش ستری

(به قلم سردبیر)

گزارش صندوق بین‌المللی پول:

«از میان ۹۱ کشور مورد مطالعه، ایران

رتبه اول در آمار مهاجرت نخبگان را

دارد»
روزنامه عصر ایران، ۱۷ آبان ۸۸

امروز کمی خوشحالم چون بالاخره گواهی فارغ‌التحصیلی که می‌خواستم آماده شده. الان دارم می‌روم که از دانشگاه تحویل بگیرم و برای جایی که قرار است استخدام کنند، بفرستم!

(۱۷ آبان، ساعت ۳ بعدازظهر، آموزش دانشگاه شریف)

- سلام خانم. خسته نباشید. مگه ساعت اداری تغییر کرده؟
- چرا شماها همیشه دقیقه ۹۰ میان. ما دیگه داریم می‌ریم. ایشالا فردا.
- نه تورو خدا من تا حالا ۱۰۰ بار اومدم و رفتم. امروز صبح هم قبل از ساعت ۱۱ سه بار اومدم در اتاقتون قفل بود. هر چی هم تلفن می‌زنم اشغاله!
(رو به همکارش می‌کند و می‌خندد)

- گفتین برم فارغ‌التحصیلان. اونجا هم که فقط صبحها یکی دو ساعت بازه. میگن نامه و پرونده و درخواست قبلیت گم شده و باید بری تحصیلات تکمیلی... همیشه بگین مراحل گرفتن این نامه چیه؟

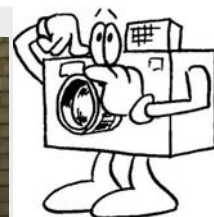
- شما چجوری شریف قبول شدی؟ خیلی سادست. برین از آقای X امضاء بگیرین بعد پیش آقای Y و خانم Z بعدش که فتوکپی از کل مدارکتون از اول ابتدایی رو با ۱۲ قطعه عکس آوردین باید درخواست بدین و آخرین کارنامه تون به همراه فیش ۲۰۰۰ تومنی بدین به اداره A که تایید کنه شما تسویه حساب لیسانس رو انجام دادین و فقط میمونه یه گواهی موقت که باید برای گرفتنش ۶ ماه صبر کنین و هر روز تلفن بزنین و



ته مقاله!

خرده‌ای که به نشریه جوان نیش شتر می‌گیرند، نپرداختن به موضوع ناآرمی‌هایی ست که چندی، گریبانگیر جامعه و دانشگاه شده. از دستگیری دانشجویان و تجمعات و لغو احتمالی امتحانات و... البته این انتقاد با در نظر گرفتن فضای دانشجویی این نشریه، وارد و صد البته با در نظر گرفتن عدم وابستگی مادی و معنوی نیش شتر به هیچیک از گروه‌های دانشجویی و دسته‌بندی‌های سیاسی کشور، ناوارد است. در این برهه، تنها انگیزه از ادامه انتشار این طنزنامه مستقل، چکاندن قطره لبخندی ست بر خشکی لب‌های این جماعت دانشجو که دیربازی ست شادی را فراموش کرده اند. و بیگمان بر خواننده تیزبین روشن است که اگر پای دراز از این گلیم کوتاه، فراتر بگذارد، چه بسا زمینه پرداختن به همین خواسته‌های صنفی و مجال نشانیدن همین لبخند کوچک نیز از او ستانده شود. پس دور ماندن از این شراره‌های التهاب، نه نشانه بی‌خیالی و بی‌تفاوتی ست که شاید ندانستن قواعد بازی با آتش است و هم اندکی بیم از سوختن همین کاغذ پاره. و کوتاه سخن اینکه در این هنگامه سخت، کوشش این نشریه بیشتر تلطیف و نه تحلیل این آشفته بازار است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید...
دی هشتاد و هشت، سردبیر

اجرای طرح مرکز مشاوره بسیار برای اولین بار در دانشگاه شریف



عکس هفته

